

دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای میانه ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۱

محمدحسین عارفی دوست ماسوله^۱

محمد احمدی^۲

چکیده

ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، منابع انرژی و اهمیت ژئواکونومیک در منطقه خزر موجب گردیده است که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توجه ویژه‌ای برای این منطقه قائل باشند. چین به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای در این منطقه تلاش نموده است تا دیپلماسی اقتصادی موفقی را در پیش گیرد و با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری ابتکار استراتژی یک کمربند - یک جاده در اولویت اول و بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی در اولویت دوم، موقعیت دیپلماسی اقتصادی خود در منطقه خزر را بهبود بخشد. این پژوهش سعی دارد با تحلیل مدل دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه خزر (با تمرکز بر قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان)، با روش پژوهشی که در زمره تحقیقات کتابخانه‌ای قرار دارد و با استفاده از تحقیق ترکیبی کمی و کیفی، به این سؤال پاسخ دهد که عوامل اصلی موفقیت دیپلماسی اقتصادی چین در این منطقه چیست و الگوی دیپلماسی این کشور چه می‌باشد. با بررسی‌های صورت گرفته، چین مدل دیپلماسی اقتصادی خود در برابر این سه کشور را مبتنی بر ابتکار یک کمربند - یک جاده قرار داده است و حتی دیپلماسی انرژی محور خود را ذیل این ابتکار، پیش می‌برد. عامل اصلی موفقیت چین در اجرای این مدل دیپلماسی نیز، ایجاد اعتماد دوطرفه و اتخاذ رویکرد (برد - برد) است.

▪ واژگان کلیدی:

دیپلماسی اقتصادی - دیپلماسی انرژی - حوزه خزر - چین - ابتکار یک کمربند یک جاده.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

^۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

hoseinarefi0@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه امام صادق ع، تهران جمهوری اسلامی ایران.

Mae261177@gmail.com

مقدمه

ظهور چین برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده جهان و دومین اقتصاد بزرگ پس از ایالات متحده احتمالاً آنچه را که ما در مورد مدل‌های توسعه اقتصادی می‌دانیم تغییر خواهد داد. برخلاف اقتصادهای بزرگ صنعتی، چین یک حکومت دموکراسی نیست.

دیپلماسی اقتصادی امروز چین به عنوان بخشی از تحقق «رؤیای چینی» مطرح شده توسط رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ^۱ برای تحقق «جوان‌سازی بزرگ ملت چین» تلقی می‌شود. گائو هوچنگ^۲، وزیر بازرگانی سابق چین، چهار اصل اساسی دیپلماسی اقتصادی چین را بر شمرده است که تا حد زیادی مدل ساختار کلی مدل دیپلماسی اقتصادی چین را ترسیم می‌نماید. اول، دیپلماسی باید در خدمت اقتصاد باشد. دیپلماسی اقتصادی مهم‌ترین بخش دیپلماسی است. دوم، دیپلماسی اقتصادی و سیاست «درهای باز» چین باید دست‌به‌دست هم دهند و این کشور باید دیپلماسی اقتصادی را از طریق «ذهن باز» برنامه‌ریزی کند. سوم، چین باید نقش همکاری تجاری و اقتصادی را به عنوان کانال اصلی در دیپلماسی اقتصادی خود در خدمت توسعه خود حفظ و گسترش دهد و چهارم، دیپلماسی اقتصادی نباید به عنوان یک بازی حاصل جمع صفر دنبال شود، بلکه باید منافع متقابل ایجاد و موقعیت‌های برد - برد ایجاد کند و از این طریق «محیط بین‌المللی مطلوب» تشکیل دهد (Gao, 2015: 19).

علاوه بر این در استراتژی دیپلماسی اقتصادی چین، این روند دنبال می‌شود که چین کشورهای مختلف را با ایجاد روابط تجاری گسترده، به خود وابسته می‌کند تا در شرایط بحرانی از آن‌ها به عنوان اهرم فشار استفاده نماید. این موضوع نشان‌دهنده این است که گرچه در ظاهر چین دیپلماسی اقتصادی با انگیزه‌های تجاری صرف را در نظر دارد؛ اما انگیزه‌های سیاسی نیز در این مدل دخیل هستند (Kastner, 2013: 12). با توجه به اینکه ما در مقاله حاضر سعی داریم تا مدل دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه خزر را طبق تقسیم‌بندی مطرح شده در بخش پیشینه پژوهش تحلیل و دسته‌بندی نماییم، از این‌رو در ادامه مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی چین را در این منطقه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

چارچوب نظری: نئورئالیست‌ها و نئولیبرالیست‌ها به ترتیب اعقاب رئالیست و لیبرالیست هستند. این دو نظریه با انجام برخی اصلاحات در نظریات قبلی خود پا به عرصه وجود گذاشتند. نئورئالیست‌ها بر مسائل امنیتی تمرکز می‌کنند، در حالی که نئولیبرال‌ها بر اقتصاد سیاسی و موضوعاتی مانند حقوق بشر و محیط‌زیست تمرکز می‌کنند. نئورئالیست‌ها معتقد

^۱. Xi Jinping

^۲. Gao Hucheng

به موضوع بقاء هستند و آن را مورد توجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر لیبرال‌ها به امکان همکاری بین دولت‌ها بسیار خوش‌بین هستند. پاسخ نئولیبرالی این است که همه دولت‌ها منافع متقابل دارند و می‌توانند از همکاری سود ببرند. با توجه به ویژگی‌های نئولیبرالیسم و با توجه که این پژوهش بر همکاری اقتصادی، اقتصاد سیاسی و منفعت متقابل کشورها تأکید و نظر دارد، لذا یکی از پایه‌های نظری این پژوهش را نظریه نئولیبرالیسم تشکیل می‌دهد.

از ارکان نظری دیگر این پژوهش، منطقه‌گرایی است. یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌ای شدن بوده است. فرایند منطقه‌ای شدن پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تقویت و تشدید شده است به‌طوری‌که این نوع روابط درون منطقه‌ای - در اثر شدت یافتن روند جهانی شدن - فراتر از مناطق توسعه‌یافته در مناطق درحال توسعه نیز به‌صورت یک الگوی تعامل متعارف درآمده است.

پیشینه پژوهش: برای پرداختن به بحث دیپلماسی اقتصادی روسیه در منطقه خزر ابتدا باید به خود موضوع دیپلماسی اقتصادی و پیشینه آن عنایت داشت. دیپلماسی اقتصادی انواع مختلفی دارد؛ اما به‌طور کلی می‌توان به دو شکل تقسیم‌بندی دیپلماسی اقتصادی اشاره نمود.

در یک تقسیم‌بندی، می‌توان دیپلماسی اقتصادی را به دودسته دیپلماسی اقتصادی باانگیزه تجاری و دیپلماسی اقتصادی با انگیزه سیاسی تقسیم نمود. وولکاک و باین، (۲۰۱۳) در مقاله دیپلماسی جدید اقتصادی خود به دو دسته ۱- دیپلماسی اقتصادی با انگیزه تجارت ۲- دیپلماسی اقتصادی با انگیزه به دست گرفتن رهبری که اصطلاحاً از آن به‌عنوان دیپلماسی اقتصادی استراتژیک نام برده‌اند اشاره نموده‌اند. لی و هوکینگ (۲۰۱۰) نیز در مقاله دیپلماسی اقتصادی به تقسیم‌بندی مشابهی معتقد هستند.

اوکانو و هایجمنز (۲۰۱۱) در مقاله مفهوم‌سازی دیپلماسی اقتصادی و اسمیت و همکاران، (۲۰۱۴) نیز در مقاله نتایج و استراتژی‌ها در بازی بزرگ جدید معتقدند که در تعبیر دیپلماسی اقتصادی باانگیزه تجاری، هدف دیپلماسی اقتصادی، سود و منافع صرف تجاری و اقتصادی است. اما در دیپلماسی اقتصادی با انگیزه سیاسی، ثروت مادی و مالی صرفاً منابعی هستند که در خدمت اهداف استراتژیک سیاسی قرار دارند. این دوگانگی توسط محققان در مطالعات تجربی به‌عنوان دیپلماسی اقتصادی «انگیزه اقتصادی/انگیزه سیاسی» مشاهده و شناسایی شده است.

دیپلماسی اقتصادی با انگیزه تجاری، به‌طور کلی، بر ثروت در روابط بین‌الملل، مانند مازاد تجارت بین‌المللی، حمایت از صنایع داخلی و اشتغال، دسترسی به مواد خام باثبات و بازگشت مطمئن سرمایه‌گذاری در خارج از کشور تأکید می‌کند. (ساوادا، ۲۰۱۴) نیز در مقاله استراتژی ژاپن برای همکاری اقتصادی با کشورهای آسیایی خود اشاره کرده است که برنامه «کمک‌های توسعه‌ای برون‌مرزی ژاپن» نیز مدلی از دیپلماسی اقتصادی با انگیزه تجاری است که از این تقسیم‌بندی پیروی می‌کند.

در مقاله دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی سانر و یی‌یو، (۲۰۰۳) در یک تقسیم‌بندی دیگر، معتقدند که دیپلماسی اقتصادی را متناسب با نقش و کارکرد آن می‌توان به دودسته دیپلماسی دولتی و دیپلماسی غیردولتی تقسیم نمود. در این تقسیم‌بندی، دیپلماسی اقتصادی دولتی دیپلماسی است که غالب آن توسط یک حکومت مرکزی و یک دولت اجرا می‌شود و تصمیم‌گیرندگان آن نخبگان سیاسی آن کشور هستند. درحالی‌که در دیپلماسی اقتصادی غیردولتی، لزوماً سران سیاسی یک کشور تصمیم‌گیرنده نیستند و بلکه بازیگران غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی‌اند که تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده هستند و خود نیز به اجرا و عملیاتی‌کردن این تصمیمات می‌پردازند.

در این میان مطالعات موردی دیپلماسی اقتصادی نیز، تحقیقات مفیدی برای در نظر گرفتن تکامل بومی شیوه‌های دیپلماسی اقتصادی هستند. رانا (۲۰۱۷) در مثال مفصلی از زمینه جهان‌سومی (هند) از دولت، در تسهیل بخش خصوصی ارائه می‌دهد، و تمایز بین آنچه که دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی تجاری است، ترسیم می‌کند که هر دو در ایجاد ارزش دیپلماسی اقتصادی مهم هستند.

ون گراستک (۲۰۱۷) روابط ایالات‌متحده و روسیه را از نظر دیپلماسی اقتصادی، از سال ۱۸۱۰ و تاکنون مطالعه می‌کند. او نقش گروه‌های ذی‌نفع و رقابت آن‌ها در فضای اقتصادی ایالات‌متحده را بسیار تأثیرگذار در عرصه دیپلماسی اقتصادی این کشور می‌داند.

در پژوهشی دیگر، باراکوهی (۲۰۱۷) یک مطالعه موردی در رابطه با برزیل ارائه می‌دهد که چگونه وزارت خارجه برزیل، منابع را برای دستیابی به اهداف خاص منطقه‌ای و بین‌المللی (مانند کشاورزی) بسیج می‌کند و از این طریق اهرم فشار خود را در بین کشورهای در حال توسعه شدیدتر می‌نماید.

ویتالپس (۲۰۱۷) با استفاده از مورد نیوزلند و سپس تسری استدلال‌هایی که برای دیپلماسی اقتصادی نیوزیلند در مورد کشورهای سنگاپور و سوئیس به‌کاربرده بود، معتقد

است که کشورهای توسعه یافته کوچک باید بین منافع خود تعادل برقرار کنند و از ترکیبی از ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم برای این کار استفاده کنند. به عبارت دیگر او معتقد است، کشورهای کوچکی مانند نیوزلند اهمیت تمرکز و اولویت بندی منابع را بر روی موضوعاتی که برای منافع ملی حیاتی آن‌ها اهمیت دارد، درک می کنند.

با توجه به اهمیت قراردادهای تجاری در دیپلماسی اقتصادی، (هیدون، ۲۰۱۷) در مقاله مذاکره در مورد قراردادهای تجاری، مطالعه مفیدی در مورد انگیزه های زیربنایی و اثرات ناشی از توافق نامه های تجاری ارائه می کند، و دریافته است که مزایایی مانند سود معاملات و رشد تجارت وجود دارد، اما همچنین باعث ایجاد تنش های سیستماتیک می شود.

برای دیپلماسی مالی، چوهان و پیکفورد (۲۰۱۷)، هر دو بر اهمیت بحران ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در تجمیع نهادهای مالی، چه در سطح چندجانبه و چه در سطح ملی، در بسیج به سمت همکاری برای ترمیم پیامدهای بحران تأکید می کنند.

با بررسی منابع مختلف حوزه دیپلماسی اقتصادی و در نظر گرفتن آن‌ها، می توان گفت که علی رغم پژوهش ها و تحقیقات کامل در این حوزه، اما به طور کلی تحقیقات کمی که متمرکز بر روی دیپلماسی اقتصادی چین در کشورهای حوزه دریای خزر باشد، وجود دارند. همچنین باید گفت که پژوهش های مختلفی در رابطه با دیپلماسی چین صورت پذیرفته است، اما تحقیقات در این حوزه معمولاً به دیپلماسی اقتصادی این کشور در برابر کشورهای (جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) کمتر پرداخته اند. البته این تحقیقات پراکنده بوده و هر مقاله یا تحقیق، در بخشی از پژوهش خود به مسائل ذکر شده پرداخته بوده اند، و پژوهشی اقدام به متمرکز کردن موضوعات و گردآوری آن‌ها حول یک رویکرد خاص ننموده است.

در نهایت و با بررسی انواع مختلف دیپلماسی اقتصادی و ترکیب آن‌ها با سطوح تحلیل در روابط بین الملل (یک جانبه گرایی، دوجانبه گرایی، منطقه گرایی و چندجانبه گرایی) می توانیم تقسیم بندی جدیدی را در عرصه انواع مدل دیپلماسی اقتصادی تولید نماییم که به شرح جدول زیر است.

جدول ۱- انواع مدل دیپلماسی اقتصادی

یک‌جانبه‌گرا	بانگیزه سیاسی (ایجاد رهبری)	دولتی	دیپلماسی اقتصادی
دوجانبه‌گرا			
منطقه‌گرا			
چندجانبه و جهانی			
یک‌جانبه‌گرا	بانگیزه تجارت		
دوجانبه‌گرا			
منطقه‌گرا			
چندجانبه و جهانی			
	یک‌جانبه‌گرا	غیردولتی	
	دوجانبه‌گرا		
	منطقه‌گرا		
	چندجانبه و جهانی		

(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

باید این نکته را در توضیح جدول بالا ذکر کرد که در مورد دیپلماسی اقتصادی غیردولتی، به این دلیل که هیچ کشور و دولتی را دخیل در تصمیم‌گیری‌های خود نمی‌بیند، نمی‌توان دسته‌بندی «دیپلماسی اقتصادی بانگیزه سیاسی» و «ایجاد رهبری» را شامل این مورد نیز کرد؛ لذا دیپلماسی اقتصادی غیردولتی صرفاً با «انگیزه‌های تجاری» به ایجاد روابط و تصمیم‌گیری‌های مختلف در عرصه روابط بین‌الملل می‌پردازد.

۱. دیپلماسی اقتصادی چین در حوزه دریای خزر

نفوذ چین بر سیاست بین‌الملل بیشتر به دلیل رشد سریع اقتصادی آن در دهه‌های اخیر است، به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهای بریکس. برخلاف روسیه، چین تجربه گسترده‌ای در رهبری بین‌المللی در تاریخ مدرن ندارد. باین‌حال، در سال‌های اخیر، چین به‌طور فعال مبارزه برای صدای قوی‌تر در امور بین‌المللی را آغاز کرده است. طرح یک کمربند – یک جاده یا (OBOR)^۱ عمیق‌ترین سرمایه‌گذاری در دیپلماسی اقتصادی در تاریخ جمهوری خلق چین است و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های اقتصادی در تاریخ بشریت است (Hancock, 2017:13).

^۱. One Belt – One Road

در مقایسه با چندین دهه دیپلماسی انرژی روسیه، سیاست یک کمربند - یک جاده که توسط دولت چین راه اندازی شد، یک برنامه دیپلماتیک اقتصادی نوپا است. به طور رسمی، چینی‌ها، این پروژه را به عنوان یک استراتژی ژئوپلیتیک معرفی نمی کنند، حتی در برابر چنین تعریفی مقاومت می کنند. به گفته رسانه های دولتی چین، طرح یک کمربند - یک جاده، یک همکاری عملی بین کشورهای دخیل در این پروژه است (Xinhua, 2016:20).

پروژه یک کمربند - یک جاده تا حد زیادی مبتنی بر دیپلماسی اقتصادی تجاری (بازرگانی) است (Tekdal, 2018:11). در واقع چین آماده نیست که اهداف سیاسی خود را برای ایجاد رهبری با هزینه های اقتصادی دنبال کند؛ آن ها بیشتر سعی دارند تا بر جنبه بازرگانی مدل دیپلماسی اقتصادی توجه کنند تا بر جنبه سیاسی و ژئوپلیتیک آن؛ بنابراین، بسیاری از محققان بر این باورند که اگر اهدافی هم از جنس اهداف سیاسی غیر بازرگانی و ژئوپلیتیک در داخل پروژه یک کمربند - یک جاده وجود داشته باشد، بیشتر بر آرام کردن درگیری های منطقه ای متمرکز است و عمدتاً به منظور جلوگیری از ایالات متحده و مهار متحدان آسیایی آن است (Ferdinand, 2016:6).

انرژی و مواد خام از ارکان مهم چارچوب پروژه یک کمربند - یک جاده هستند. خودکفایی انرژی چین در دوران مائو ایجاد شد، اما در اوایل دهه ۱۹۹۰ زمانی که چین فرایند جهانی شدن را طی نمود و توسعه خود را شروع کرد، به تدریج این خودکفایی به دلیل نیاز مبرم به انرژی برای ادامه توسعه چین از بین رفت. چین از سال ۱۹۹۳ واردکننده انواع انرژی های فسیلی شد. (Wu, 2014:5)

علاوه بر امنیت انرژی، چین خواهان ارتقای رقابت پذیری و نفوذ صنعت انرژی خود در بازار بین المللی انرژی است (Lu et al, 2015:9). این هدف را می توان از طریق یک کمربند - یک جاده با ارتقای نقش چین در معاملات مرتبط با انرژی، خدمات فنی و استانداردهای صنعتی انجام داد؛ زیرا سرمایه گذاری ها و عملیات در خارج از کشور برای شرکت های حوزه انرژی چینی برای به دست آوردن تجربه بین المللی مورد نیاز برای توسعه بسیار مهم است. (Patey, 2017:17)

اگرچه تلاش های دیپلماتیک همیشه با سرمایه گذاری های خارج از کشور، به ویژه در انرژی و منابع طبیعی همراه بوده است؛ اما چین مایل نیست رقابت ژئوپلیتیکی سود اقتصادی را به خطر بیندازد. چین از اظهار نظر در رابطه با رقابت با روسیه امتناع کرده و عمداً از ایجاد حس رقابت با روسیه اجتناب می کند، به خصوص که توازن همکاری بین طرح یک کمربند - یک جاده و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و پوتین ظریف و شکننده است (Jakóbowski & Kaczmarek, 2017:8).

بین‌المللی‌سازی ارز رسمی کشور چین یعنی رنمینبی یا (RMB)^۱ بخشی از چشم‌انداز بلندپروازانه طرح یک کمربند – یک جاده است. در طی چند دهه گذشته از تعمیق ادغام در سیستم اقتصادی جهانی، چین ذخایر ارزی قابل‌توجهی را از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انباشته کرده است که روایت یک مدل چینی موفق را شکل داده و باعث انتقاداتی از چین شده است (Ito, 2011: 9).

علی‌رغم این که چین برای تبدیل واحد پول (رنمینبی) به‌عنوان یک ارز ذخیره بین‌المللی تلاش کرده‌اند، اما سیاست‌گذاران چینی قصدی برای تعیین استراتژیک این واحد پولی به‌عنوان رقیب دلار آمریکا که نقش اصلی را در امور مالی جهانی ایفا می‌کند، ندارند. تاکنون، بین‌المللی کردن RMB به‌طور محدود تعریف شده و صرفاً باهدف گسترش استفاده از آن در معاملات بین‌المللی تعریف می‌شود (wook and won, 2015: 11).

درگیری چین بر سر منطقه خزر با بازی بزرگ جدید^۲ و بلافاصله پس از انحلال امپراتوری شوروی آغاز شد. دهه‌ها کشمکش طولانی‌مدت برای کنترل منابع نفت و گاز طبیعی، زیرساخت و نفوذ منطقه آسیای مرکزی با عنوان بازی بزرگ جدید بین اروپا، چین، روسیه و آمریکا مطرح بوده است و هر کدام از قدرت‌ها سعی می‌کردند برای نفوذ بیشتر در منطقه از یکدیگر پیشی بگیرند. در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با کشف ذخایر عظیم انرژی نفت و گاز در آسیای مرکزی، رقابت میان قدرت‌های بزرگ تشدید شد. از یک طرف، روس‌ها با منحصر کردن تمام مسیرهای صادرات از سرزمین خود، مایل‌اند که نفوذ و کنترل سنتی خود را بر کشورهای تازه استقلال یافته حفظ کنند. از طرف دیگر، آمریکا که به‌عنوان رقیب جدی در منطقه وارد شده است، طرف‌دار مسیریایی است که در راستای اهداف درازمدت و علایق ژئوپلیتیک این کشور در منطقه باشد. چین هم با دارا بودن انگیزه‌های قوی برای حضور در آسیای مرکزی، به چالش کشیدن سیاست‌های هژمونیک آمریکا و دستیابی به منابع انرژی و بازار بزرگ منطقه، وارد رقابت با سایر رقبای شده است. منافع اصلی چین در شرق منطقه خزر، یعنی آسیای مرکزی است که با برخی از این کشورها مرز مستقیم دارد؛ این در حالی است که دخالت چین در منطقه خزر نه‌تنها برای منابع انرژی بلکه برای تأمین امنیت مرزهای غربی این کشور نیز بوده است. به همین دلیل،

^۱. این عبارت مخفف واژه Renminbi است که واحد پول رسمی جمهوری خلق چین و یکی از پرمعامله‌ترین ارزهای جهان است که از آوریل ۲۰۲۲ به‌عنوان پنجمین ارز پرمعامله در جهان رتبه‌بندی شده است.

^۲. New Great Game

چین یکی از اولین کشورهایی بود که استقلال کشورهای آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و در ژانویه ۱۹۹۲ با آن‌ها روابط دیپلماتیک برقرار کرد (Liao, 2006:5).

چین منطقه خزر را به‌عنوان یک منطقه حیاتی برای منافع اقتصادی، منبع مواد اولیه ارزان‌قیمت و بازار بزرگ برای تولیدات خود می‌داند. به همین دلیل، به‌محض ورود به بازی بزرگ، در تمامی کشورهای منطقه مأموریتی را ایجاد کرد و با توسعه تدریجی بخش نفت و گاز در قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، وارد شدن به سیاست انرژی خزر را آغاز کرد. در همین راستا، مشاهده می‌کنیم که چین نیز برای پیشبرد دیپلماسی اقتصادی خود در حوزه دریای خزر به‌خصوص در شرق آن، ابتدا اقدامات مقدماتی نظیر حل مناقشات مرزی با این کشورها، مبارزه با تروریسم و... را ترتیب داده تا بتواند نظر این کشورها را جلب نماید و سپس درصدد پیاده‌سازی استراتژی و مدل دیپلماسی اقتصادی خود برآید.

چین دیپلماسی اقتصادی خود را در آسیای مرکزی بر سه اصل استوار کرده است:

- حل منازعات مرزی با کشورهای شرق دریای خزر
- مناسبات دوستانه و اقتصادی با کشورهای منطقه
- جلوگیری از برتری هژمونیک یک قدرت در حوزه اقتصادی (میراحمدی، ۱۳۹۸).

چین با اتخاذ دیپلماسی اقتصادی انرژی محور سعی در افزایش نفوذ خود در منطقه خزر به‌ویژه در کشورهای قزاقستان و ترکمنستان دارد. با توجه به این موضوع، دیپلماسی اقتصادی مناسب چین در روابط تجاری دوجانبه و چندجانبه با استفاده از ظرفیت سازمان همکاری شانگهای و افزایش منافع چین در بحث مربوط به نفت و گاز منطقه، به‌طور اساسی منجر به رشد حضور چین در شرق حوزه دریای خزر شده است. کشور چین دیپلماسی سیاسی و اقتصادی خود را در منطقه خزر، بدون درگیری و تعارض و با رویکرد ثبات در منطقه به‌پیش می‌برد (swanstrom, 2005:17).

از همین روی دیپلماسی اقتصادی چین در کشورهای حوزه خزر را می‌بایست در چارچوب دیپلماسی انرژی و همین‌طور در چارچوب پروژه بزرگ جاده ابریشم یا یک کمربند - یک جاده مورد بررسی قرارداد. البته سازمان همکاری شانگهای را نیز می‌توان یکی از پایه‌های دیپلماسی اقتصادی چین در این منطقه برشمرد، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان متوجه شد که کارکرد این سازمان در منطقه خزر، خود یک پایه مستقل برای دیپلماسی اقتصادی چین نیست؛ بلکه به‌عنوان ابزار کمک‌کننده‌ای است در راستای برآورده‌شدن اهداف دیپلماسی انرژی و دیپلماسی یک کمربند - یک جاده چین.

با این حال باید این نکته را ذکر نمود که عمده تأکید چین در حوزه اقتصادی منطقه خزر مبتنی بر ابتکار یک کمربند - یک جاده و سود حاصل از قراردادهای تجاری است. در حالی که دیپلماسی انرژی برای چین در مدل دیپلماسی اقتصادی این کشور، مانند روسیه یک اصل اساسی نیست؛ بلکه در وهله‌های بعدی اولویت چین قرار می‌گیرد.

به رغم تلاش‌های روسیه برای کسب جایگاه برتر اقتصادی پس از بحران جهانی اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، پکن به عنوان بزرگ‌ترین شریک اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی ظاهر شد. امروزه شبکه قابل توجهی از جاده‌ها، راه‌آهن، خطوط هوایی و خطوط لوله نفت و گاز، چین را به آسیای مرکزی متصل می‌کند. (Medeiros, 2017:22) این کشور در سال ۲۰۱۸ تقریباً ۲۵ میلیارد دلار تجارت با پنج دولت منطقه انجام داد که از این میزان ۲۲ میلیارد دلار صادرات آن به پنج کشور آسیای مرکزی بوده است (International Monetary Fund, 2019). چین منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی و پیشرو در سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، انرژی و زیرساخت‌ها در این منطقه است (Bhutta, 2019:16).

پکن، ابتکار خود را در قالب یک برنامه تدارکاتی و توسعه اقتصادی و نه یک طرح ژئواکونومیک ارائه داد که این ایده با استقبال مسکو مواجه شد. (Samokhvalov, 2018:23). در همین راستا، ارائه ابتکار کمربند - راه از سوی چین در اصل یک ایده یا موضوعی برای توسعه و مشارکت است تا این که طرح یا نقشه باشد. این ابتکار با خواست پکن برای حل چالش‌های درازمدت داخلی، اقتصادی و ژئوپلیتیک با تقویت دولت‌های هم‌جوار چین، صدور سرمایه و کارگر و تأسیس جایگزینی برای نظم بین‌المللی کنونی کلید خورده است (Keough et al, 2017:13). چین همواره به دنبال یک کردور انرژی امن برای تأمین انرژی خود بوده است. از این رو ابتکار یک کمربند - یک جاده در آسیای مرکزی اهمیت بسیاری برای چین دارد. ساختار باز ابتکار یک کمربند - یک جاده و منابع عظیم مالی چین جذاب است، و تا حدودی در حال رقابت با طرح‌های ادغام کشورهای تحت سلطه شوروی سابق روسیه است (Haiquan, 2017:133).

طرح «جاده ابریشم» جامع‌تر از پروژه‌های «اتحادیه اوراسیا» روسیه یا «بازی بزرگ جدید» ایالات متحده خواهد بود. منابع انرژی از غرب و کالاهای هم به سمت شرق و هم به سمت غرب جریان خواهند داشت و نهایتاً به چین ختم پیدا خواهد کرد که به عنوان مرکز این پروژه در نظر گرفته شده است (Smith stegen, 2015:17).

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین هدف چین در طرح یک کمربند - یک جاده، تا به الان، کشور قزاقستان باشد. اما این بدان معنا نیست که چین از اهدافی مانند ترکمنستان و

جمهوری آذربایجان صرف نظر کرده باشد. چین در نظر دارد تا مدل دیپلماسی اقتصادی موفق و روابط تجاری پرسود را در قزاقستان به نمایش بگذارد تا بتواند آن را به عنوان یک نمونه موفق جهت کسب اعتماد کشورهای ترکمنستان و جمهوری آذربایجان معرفی نماید. ترکمنستان به دلیل اتخاذ سیاست های درهای بسته از یک سو و جمهوری آذربایجان به دلیل تمایل به بازارهای غربی و روابط سیاسی با آن ها از سوی دیگر، کار را برای چین اندکی دشوار کرده اند.

دیپلماسی اقتصادی انرژی محور. منطقه خزر دارای یکی از بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان است. اقتصاد چین در دو دهه گذشته به سرعت توسعه یافته است و به منابع انرژی بیشتری برای تقویت این پیشرفت نیاز دارد. از آنجایی که بسیاری از کشورهای منطقه خزر با چین همسایه هستند، توجه دولت چین را به خود جلب کرده اند. این قسمت بر روی سیاست انرژی چین در قبال منطقه خزر تمرکز می کند و این سؤال را مطرح می کند که چگونه چین سیاست انرژی خود را در این زمینه اجرا می کند. در این راستا توجه ویژه ای به قزاقستان می شود، زیرا انتظار می رود همکاری چین و قزاقستان برای سایر کشورهای منطقه خزر «اثر نمایی» داشته باشد و الگوی موفق از همکاری را جهت تبلیغ از سوی این کشور برای دیگر کشورهای منطقه به نمایش بگذارد. علاوه بر این، این بخش به بررسی اهمیت این منطقه برای امنیت انرژی چین و چشم انداز همکاری در پرتو رقابت ژئوپلیتیکی اخیر می پردازد. چین در تلاش است تا واردات انرژی خود را متنوع کرده و وابستگی خود را به خاورمیانه کاهش دهد. به نظر می رسد منطقه خزر که دارای ذخایر غنی نفت و گاز است نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند.

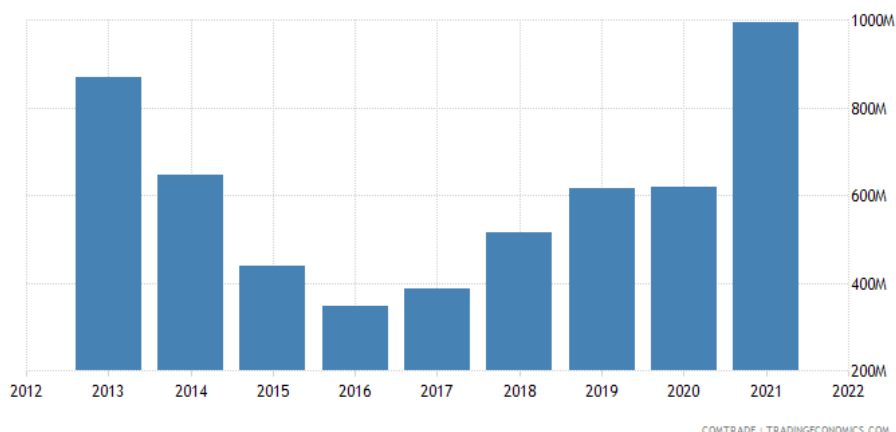
علاوه بر موضوعات مطرح شده در رابطه با انرژی، چین نگران کنترل نیروی دریایی ایالات متحده بر خطوط ارتباطی دریایی در تنگه مالاکا است که از طریق آن چین مقادیر قابل توجهی نفت و گاز طبیعی وارد می کند؛ بنابراین چین به دنبال ترانزیت منابع انرژی به گونه ای است که بتواند آن را از طریق خشکی انتقال دهد و این نیاز، نیازی است که منطقه خزر به خوبی آن را برآورده می کند (Smith Stegen, 2015:31).

۲. دیپلماسی اقتصادی چین در جمهوری آذربایجان

در سال ۲۰۲۰، چین ۹۳۶ میلیون دلار اقلام مختلف را به جمهوری آذربایجان صادر کرد. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین المللی، صادرات

چین به جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۱ به ۹۹۴.۸۸ میلیون دلار آمریکا رسید
(www.tradingeconomics.com, 2023).

شکل ۱- حجم صادرات چین به جمهوری آذربایجان در طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۱ (میلیون دلار) -



Source: <https://tradingeconomics.com/china/exports/azerbaijan>

مطابق شکل ۱، حجم صادرات چین به جمهوری آذربایجان در طی سال‌های اخیر افزایشی بوده و در سال ۲۰۲۱ به بیشترین میزان خود رسیده است. این موضوع می‌تواند موجب نگرانی روسیه شود که سیاست مهار قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوزه نفوذ تاریخی خود را در پیش گرفته است. از سوی دیگر، این میزان از صادرات به جمهوری آذربایجان را می‌توان ذیل سیاست کلی چین مبنی بر هدف شریک اول تجاری شدن همه کشورهای عرصه روابط بین‌الملل تحلیل نمود.

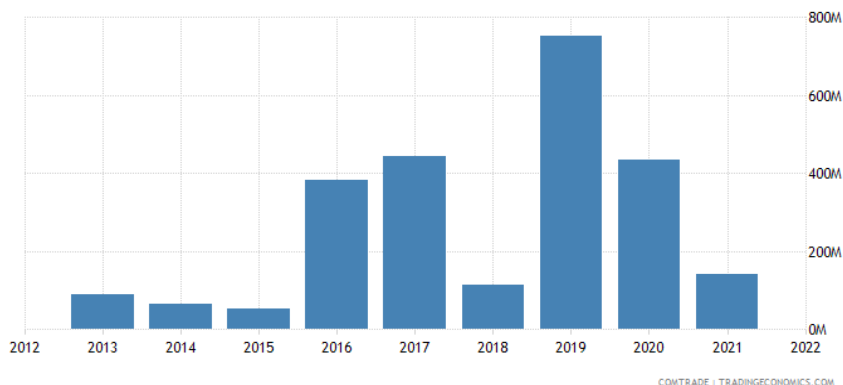
جدول ۲- ارزش مهم ترین اقلام صادر شده از چین به جمهوری آذربایجان در طی سال ۲۰۲۱

سال	میزان	اقلام صادر شده از چین به جمهوری آذربایجان
۲۰۲۱	۲۲۲/۳۵ میلیون دلار	اتومبیل و ماشین آلات، رآکتورهای هسته‌ای، بویلرها
۲۰۲۱	۱۴۴/۶۹ میلیون دلار	تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی
۲۰۲۱	۸۲/۸۱ میلیون دلار	محصولات دارویی
۲۰۲۱	۷۸/۲۳ میلیون دلار	وسایل نقلیه غیر از راه آهن، تراموا
۲۰۲۱	۶۲/۰۲ میلیون دلار	آهن و فولاد
۲۰۲۱	۳۸/۱۷ میلیون دلار	دستگاه‌های اپتیکال، عکاسی پزشکی و فنی
۲۰۲۱	۳۷/۳۲ میلیون دلار	محصولات آهنی یا فولادی
۲۰۲۱	۳۲/۶۷ میلیون دلار	لاستیک
۲۰۲۱	۲۸/۲۵ میلیون دلار	پلاستیک
۲۰۲۱	۲۱/۶۱ میلیون دلار	مبلمان، علائم روشنایی، ساختمان‌های پیش ساخته
۲۰۲۱	۲۱/۰۷ میلیون دلار	محصولات پوشاک، بافتنی یا قلاب‌بافی
۲۰۲۱	۲۰/۱۸ میلیون دلار	سوخت‌های معدنی، نفت، محصولات تقطیری

Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/chn/partner/aze>

در سال ۲۰۲۰، میزان صادرات جمهوری آذربایجان به چین معادل ۴۳۶ میلیون دلار بوده است. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌الملل، صادرات جمهوری آذربایجان به چین در سال ۲۰۲۱ نیز بالغ بر ۱۴۱.۱۵ میلیون دلار بوده است (www.tradingeconomics.com, 2023).

شکل ۲- حجم صادرات جمهوری آذربایجان به چین طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۱ (میلیون دلار)



Source: <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/exports/china>

همان گونه که مشخص است، حجم صادرات جمهوری آذربایجان به چین از سال ۲۰۱۹ به بعد کاهشی بوده است. یکی از مهم ترین دلایل این کاهش، شروع بحران کرونا از چین و سپس همه گیری این بیماری در سراسر دنیا بوده است.

جدول ۳- ارزش مهم ترین اقلام صادر شده از جمهوری آذربایجان به چین در طی سال ۲۰۲۱

سال	میزان	اقلام صادر شده از جمهوری آذربایجان به چین
۲۰۲۱	۱۰۷/۲۲ میلیون دلار	سوخت های معدنی، نفت، محصولات تقطیری
۲۰۲۱	۲۸/۲۵ میلیون دلار	پلاستیک
۲۰۲۱	۱/۱۵ میلیون دلار	مس
۲۰۲۱	۹۲۳/۸۶ هزار دلار	لاک، صمغ، رزین
۲۰۲۱	۸۰۳ هزار دلار	محصولات حیوانی
۲۰۲۱	۷۲۶/۸ هزار دلار	مواد شیمیایی آلی
۲۰۲۱	۵۹۲/۸۴ هزار دلار	محصولات آهنی یا فولادی
۲۰۲۱	۵۳۳/۹۰ هزار دلار	نوشیدنی ها، مشروبات الکلی و سرکه
۲۰۲۱	۱۷۸/۷۰ هزار دلار	سبزیجات، میوه، آجیل

Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/chn/partner/aze>

سرمایه گذاری چین در جمهوری آذربایجان . چین سرمایه گذاری های زیادی را در جمهوری آذربایجان انجام داده و در این رابطه گام های خوبی را برداشته است. مشارکت جمهوری آذربایجان در دومین گردهمایی یک کمر بند - یک جاده برای همکاری های بین المللی که در ۲۵ تا ۲۸ آوریل در پکن برگزار شد، برای باکو موفقیت آمیز بود و منجر به ایجاد تعدادی از پروژه های مهم سرمایه گذاری جدید و غیر نفتی در این کشور شد. به طور مشخص، در طول این مجمع، نمایندگان جمهوری آذربایجان ۱۰ قرارداد به ارزش ۸۲۱ میلیون دلار را با شرکت های چینی امضا کردند. (Azernews, May 3, 2019)

بر اساس این توافقات، شرکت ملی مهندسی برق چین (CNEEC) ۳۰۰ میلیون دلار در یک کارخانه تیرسازی در پارک شیمیایی - صنعتی «سومگایت»^۱ (حدود ۲۵ کیلومتری شمال غربی باکو) سرمایه گذاری خواهد کرد. این سرمایه گذاری نوید ایجاد ۸۰۰ شغل جدید در کارخانه را می دهد و پتانسیل تولید کارخانه را به ۳/۳ میلیون تیر در سال افزایش

^۱. Sumgait

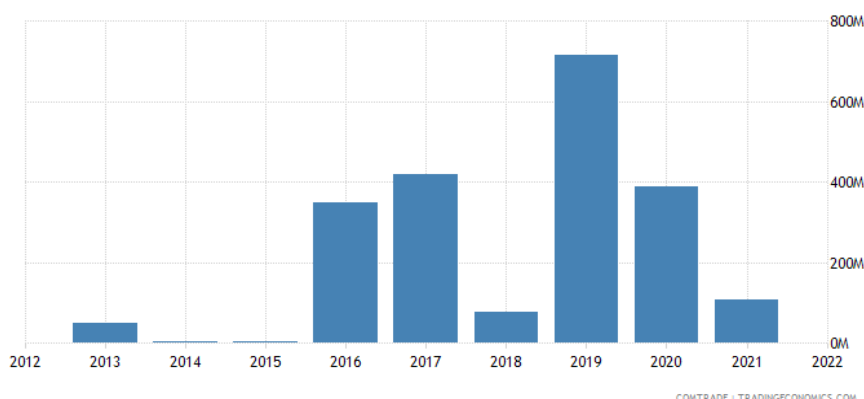
می‌دهد. شرکت ملی مهندسی برق چین ۹۰ درصد از سهام این پروژه را به دست خواهد آورد، درحالی‌که شرکت سرمایه‌گذاری جمهوری آذربایجان مالک ۱۰ درصد باقی خواهد ماند. (Orkhan Baghirov, 2019:18)

توسعه روابط اقتصادی پس از سال ۲۰۱۵ نیز بر حجم تجارت دوجانبه تأثیر قابل‌توجهی داشت. از آن زمان، گردش تجاری بین چین و جمهوری آذربایجان بیش از دو برابر شد و در سال ۲۰۱۸ به ۱/۳ میلیارد دلار رسید. چین به یکی از چهار شریک تجاری برتر جمهوری آذربایجان تبدیل شده است (چین در سال ۲۰۱۵ در رتبه نهم قرار داشت) (Orkhan Baghirov, 2019:20).

افزایش اهمیت بخش غیرنفتی در روابط اقتصادی دوجانبه یکی دیگر از عوامل مهم در این تحولات است. بحران نفتی سال ۲۰۱۴، جمهوری آذربایجان را تشویق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت‌های غیرنفتی خود و همچنین جستجوی بازارهای صادراتی جدید کرده بود و باکو چین را بهترین گزینه برای هر دو ارزیابی کرد. اگرچه محصولات مبتنی بر نفت، از جمله سوخت و پلاستیک، همچنان بر صادرات جمهوری آذربایجان به چین تسلط دارند، بازار چین باید در بلندمدت فرصت‌های بزرگی را برای محصولات غیرنفتی جمهوری آذربایجان فراهم کند. (EDM, April 12, 2017)

اما از سوی دیگر، برخلاف سرمایه‌گذاری‌های ذکر شده، آمار نشان می‌دهد که چین سرمایه‌گذاری مناسبی در بخش انرژی جمهوری آذربایجان انجام نداده است. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌المللی، صادرات سوخت‌های معدنی، روغن‌ها، محصولات تقطیری جمهوری آذربایجان به چین در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۱۰۷.۲۲ میلیون دلار بوده است.

شکل ۳- میزان صادرات نفت و مشتقات نفت جمهوری آذربایجان به چین بین سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۱



جدول ۴- ارزش صادرات نفت و مشتقات نفت جمهوری آذربایجان به چین در سال ۲۰۲۱

ارزش	
نفت خام	۱۰۲/۵۹ میلیون دلار
کک نفتی، قیر نفتی، سایر روغن‌های نفتی	۴/۵۴ میلیون دلار
روغن‌های به‌دست‌آمده از کانی‌های قیری	۸۷/۱۶ هزار دلار

Source: <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/exports/china/mineral-fuels-oils-distillation-products>

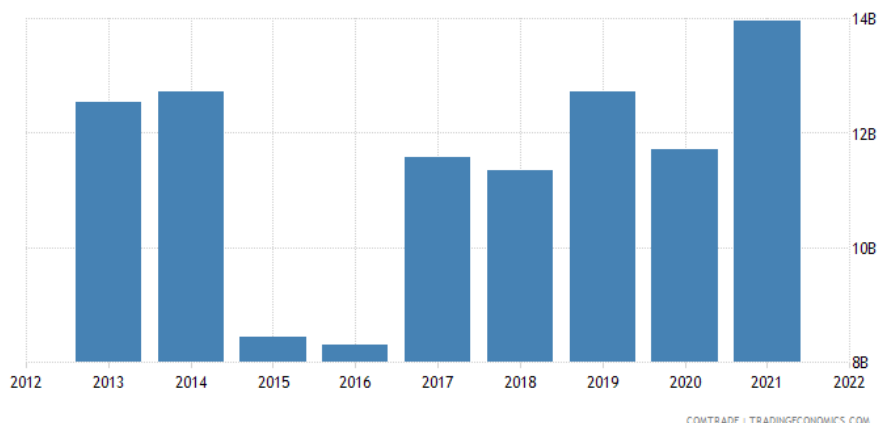
به‌رغم این‌که جمهوری آذربایجان از منابع جهانی مهمی مانند نفت و گاز در دریای خزر، تا گسل‌های امنیتی و کنترل بر خطوط ارتباطی/حمل‌ونقل بین شرق و غرب و شمال و جنوب، از اهمیت ژئواستراتژیک بسیار بالایی برخوردار است؛ اما با توجه به آمار و نمودارهای این بخش، این کشور و به‌خصوص انرژی آن برای چین همچنان یک موضوع با اولویت نسبتاً پایین باقی‌مانده است.

جایگاه انرژی جمهوری آذربایجان در محاسبات چین را نباید بدون درنظرگرفتن درگیری و رابطه پکن با غرب، روسیه، ایران و ترکیه در منطقه بررسی کرد. حضور رو به رشد پکن در این کشور باعث شده است تا جمهوری آذربایجان به دنبال جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی بیشتر و نزدیک‌تر (و در صورت امکان استراتژیک) با چین باشد و این باعث شده است تا موقعیت نسبی برخی دیگر از بازیگران منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان تغییر کند.

۳. دیپلماسی اقتصادی چین در قزاقستان

در سال ۲۰۲۰، چین ۱۰.۳ میلیارد دلار کالاهای مختلف را به قزاقستان صادر کرد. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌المللی، صادرات چین به قزاقستان در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۶.۱۳ میلیارد دلار بوده است (www.tradingeconomics.com, 2023).

شکل ۴- حجم صادرات چین به قزاقستان در سال ۲۰۲۰ (میلیارد دلار)



Source: <https://tradingeconomics.com/china/exports/kazakhstan>

جدول ۵- ارزش مهم‌ترین اقلام صادر شده از چین به قزاقستان در طی سال ۲۰۲۱

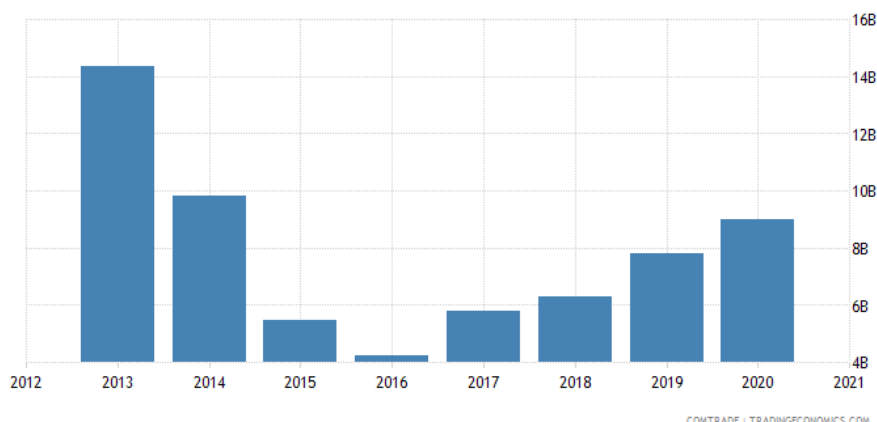
سال	میزان	اقلام صادر شده از چین به قزاقستان
۲۰۲۱	۲/۰۲ میلیارد دلار	اتومبیل و ماشین‌آلات، رآکتورهای هسته‌ای، بویلرها
۲۰۲۱	۱/۸۲ میلیارد دلار	تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی
۲۰۲۱	۱/۶۲ میلیارد دلار	پوشاک غیر بافتنی
۲۰۲۱	۱/۲۸ میلیارد دلار	کفش و موارد مشابه
۲۰۲۱	۹۵۷/۲۴ میلیون دلار	پوشاک، بافتنی یا قلاب‌بافی
۲۰۲۱	۷۱۰/۸۶ میلیون دلار	وسایل نقلیه غیر از راه‌آهن، تراموا
۲۰۲۱	۵۵۵/۸۲ میلیون دلار	اسباب‌بازی‌ها، بازی‌ها، لوازم ورزشی
۲۰۲۱	۵۳۰/۲۶ میلیون دلار	پلاستیک
۲۰۲۱	۴۲۶/۹۱ میلیون دلار	مبلمان، لوازم روشنایی، ساختمان‌های پیش‌ساخته
۲۰۲۱	۳۷۹/۲۴ میلیون دلار	محصولات آهنی یا فولادی

Source: <https://tradingeconomics.com/china/exports/kazakhstan>

در دسامبر ۲۰۲۲، چین ۱.۷۶ میلیارد دلار صادرات و ۱.۲۱ میلیارد دلار از قزاقستان وارد کرد که منجر به تراز تجاری مثبت ۵۵۲ میلیون دلاری شد. بین دسامبر ۲۰۲۱ و دسامبر ۲۰۲۲، صادرات چین ۳۷۳ میلیون دلار (۲۶.۹ درصد) از ۱.۳۹ میلیارد دلار به ۱.۷۶ میلیارد دلار افزایش یافته است، در حالی که واردات با ۲۹۷ میلیون دلار (۳۲.۶ درصد) از ۹۱۱ میلیون دلار به ۱.۲۱ میلیارد دلار افزایش یافته است (www.oec.world.com, 2023).

در سال ۲۰۲۰، قزاقستان نیز ۹.۴۲ میلیارد دلار کالا به چین صادر کرده است. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌المللی، صادرات قزاقستان به چین در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۹ میلیارد دلار بود (www.tradingeconomics.com, 2023).

شکل ۵- حجم صادرات قزاقستان به چین در طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۰ (میلیارد دلار)



Source: <https://tradingeconomics.com/kazakhstan/exports/china>

این نمودار به‌رغم این‌که کاهش صادرات چین از سال ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۶ به قزاقستان را به نمایش می‌گذارد، اما حاوی دو نکته اساسی است. اول این‌که چین تلاش کرده است که از سال ۲۰۱۷ صادرات خود را به این کشور از سال ۲۰۱۷ به بعد بازیابی نموده و به روند گذشته برگرداند؛ لذا مشاهده می‌شود که از سال ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۰ روند صادرات چین افزایشی بوده است. دوم این‌که حجم صادرات چین به ارزش ۱۰.۳ میلیارد دلار به قزاقستان به‌مراتب کمتر از روسیه به ارزش ۱۳.۸ میلیارد دلار بوده است. این موضوع نشان‌دهنده نفوذ اقتصادی و موفقیت بیشتر روسیه در قزاقستان است. البته نباید فراموش کرد که صادرات

قزاقستان به چین بیشتر از صادرات این کشور به روسیه است. بخش بزرگی از این صادرات را حوزه انرژی به خود اختصاص داده است.

جدول ۶- ارزش مهم ترین اقلام صادر شده از قزاقستان به چین در طی سال ۲۰۲۱

سال	میزان	اقلام صادر شده از قزاقستان به چین
۲۰۲۱	۲/۶۹ میلیارد دلار	سوختهای معدنی، نفت، محصولات تقطیری
۲۰۲۰	۱/۸۵ میلیارد دلار	مس
۲۰۲۱	۱/۵۷ میلیارد دلار	سنگ معدن و خاکستر
۲۰۲۱	۹۸۸/۸۹ میلیون دلار	آهن و فولاد
۲۰۲۱	۸۵۶/۷۱ میلیون دلار	مواد شیمیایی معدنی، ترکیب فلزات گران بها، ایزوتوپ
۲۰۲۱	۱۳۰/۹۲ میلیون دلار	دانه ها و میوه های روغنی، میوه
۲۰۲۱	۹۵/۵۶ میلیون دلار	غلات
۲۰۲۱	۷۹/۲۸ میلیون دلار	مواد شیمیایی آلی
۲۰۲۰	۱۰/۲۲ میلیون دلار	ماشین آلات، رآکتورهای هسته ای، بویلرها

Source: <https://tradingeconomics.com/kazakhstan/exports/china>

علاوه بر مبادلات فراورده های صنعتی، محصولات کشاورزی و معادن توسعه همکاری در اجرای طرح استخراج و صادرات محصولات نفتی از قزاقستان به چین و همچنین حضور فعال شرکت های چینی در اجرای طرح کاوش و استخراج گاز در قلمرو قزاقستان از بخش های مهم همکاری دو کشور است.

میزان مبادلات کالا و سرمایه گذاری های چین با قزاقستان در مقایسه با دیگر کشورهای آسیای مرکزی بیشتر بوده و با توجه به این که چینی ها از تسهیلات موجود در این کشور به طور مناسب استفاده می کنند حجم معاملات در چند سال آینده به آنچه هر دو کشور برنامه ریزی کرده اند به آسانی افزایش پیدا خواهد کرد.

دپلماسی انرژی چین در قبال قزاقستان. قزاقستان یکی از کشورهای ساحلی در حوزه خزر است که از نظر منابع انرژی غنی است. در مقایسه با همکاری های انرژی چین و سایر کشورهای ساحلی دریای خزر، همکاری های انرژی با قزاقستان برجسته تر، نسبتاً روان تر و موفق تر بوده است. در واقع می توان همکاری های انرژی بین این دو کشور را نماینده همکاری های گسترده تر چین و کشورهای منطقه خزر دانست. دولت چین ضمن اجرای

همکاری‌های انرژی با قزاقستان، تمام کمک‌ها و وام‌های ممکن را برای حمایت از ساخت زیرساخت‌ها و بهبود شرایط زندگی مردم ارائه کرد. تمامی این اقدامات مورد استقبال قزاقستان قرار گرفته و نقش مهمی در ارتقای همکاری انرژی بین دو طرف ایفا کرده است (Huirong and Wu Hongwei, 2012:22).

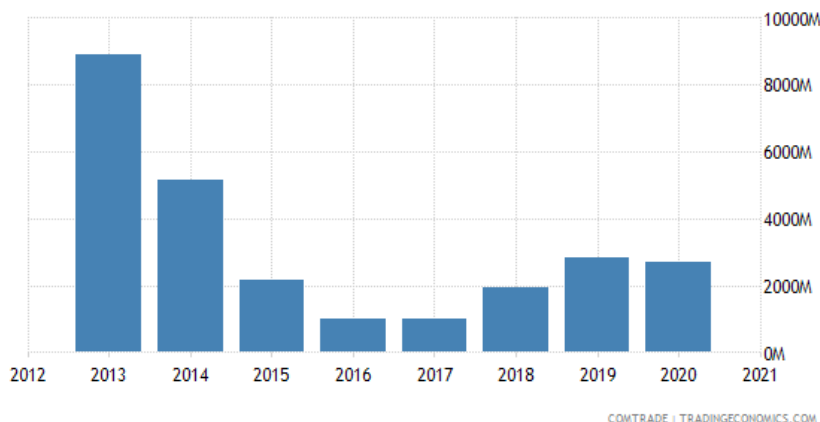
همیشه روابط خوبی بین رهبران دو کشور برای توسعه همکاری‌های انرژی برقرار بوده است. این موضوع به این دلیل است که همکاری انرژی بین دو کشور می‌تواند منجر به منافع متقابل و یک وضعیت برد - برد شود. نکته دیگری که موجب پیشرفت همکاری دو کشور در زمینه انرژی شده است این است که هر دو کشور عضو سازمان همکاری شانگهای هستند که از طریق آن به‌طور مداوم همکاری در زمینه انرژی را گسترش و تعمیق می‌بخشند. (Huirong and Wu Hongwei, 2012:23)

چین به‌خصوص در احداث خطوط لوله انرژی از قزاقستان به غرب چین سرمایه‌گذاری‌های بسیار زیادی انجام داده است. در این راستا خط لوله هزار کیلومتری انتقال نفت از قزاقستان به آلاشانکو در غرب چین با هزینه ۳ میلیارد دلار احداث گردید. (Huirong and Wu Hongwei, 2012:23) احداث خط لوله آتاسو - آلاشانکو به قزاقستان اجازه داد تا مسیرهای صادرات نفت را متنوع کند و از پتانسیل ترانزیت به‌طور کامل استفاده کند.

در کوتاه‌مدت، چشم‌انداز همکاری تجاری و اقتصادی قزاقستان و چین کاملاً مطلوب به نظر می‌رسد. بهبود اقتصاد جهانی پس از بحران، باعث افزایش تقاضا و به‌نوبه خود قیمت کالاهای صادراتی از قزاقستان خواهد شد. این امر تأثیر مثبتی بر تجارت قزاقستان از جمله تجارت با چین خواهد داشت.

سهم چشمگیر شرکت‌های انرژی چین در فرایند تولید نفت ساحلی قزاقستان عرصه ابتکار عمل شرکت‌های انرژی روسیه در بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع اصلی تأمین‌کننده کنسرسیوم، خط لوله خزر را محدود کرد و در مقابل قدرت چانه‌زنی چین را برای تعیین قیمت نفت وارداتی از روسیه را افزایش داد. پیروزی بزرگ چین در این بازی، بیشتر پیامد سفر رئیس‌جمهور جدید چین، شی جین‌پینگ به قزاقستان در سپتامبر ۲۰۱۳ و اختصاص بسته‌های مالی برای توسعه زیرساخت‌های صادرات نفت به چین و ارتقای سطح تجارت دوجانبه در بخش نفت و گاز بود. (Zasztowt, 2013:16)

شکل ۶- میزان صادرات نفت و مشتقات نفت قزاقستان به چین طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۱



Source: <https://tradingeconomics.com/kazakhstan/exports/china/mineral-fuels-oils-distillation-products>

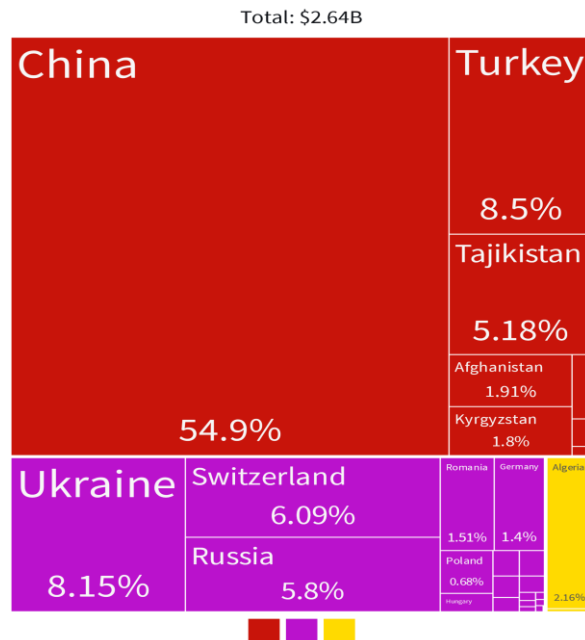
بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل در تجارت بین‌المللی، صادرات سوخت‌های معدنی، نفت، محصولات تقطیری قزاقستان به چین در سال ۲۰۲۰ ۲.۶۹ میلیارد دلار بوده است.

جدول ۷- میزان صادرات گاز ترکمنستان به چین در طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۰

سال	میزان صادرات گاز به چین
۲۰۲۰	۱/۴۵ میلیارد دلار
۲۰۱۹	۱/۶۵ میلیارد دلار
۲۰۱۸	۱/۰۷ میلیارد دلار
۲۰۱۷	۱۲۸ میلیون دلار
۲۰۱۶	۱۲۶ میلیون دلار
۲۰۱۵	۸۶/۹ میلیون دلار
۲۰۱۴	۲۰۶ میلیون دلار
۲۰۱۳	۳۶ میلیون دلار

Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/petroleum-gas/reporter/kaz>

شکل ۷- مقصد صادرات گاز قزاقستان در سال ۲۰۲۰

Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/petroleum-gas/reporter/kaz>

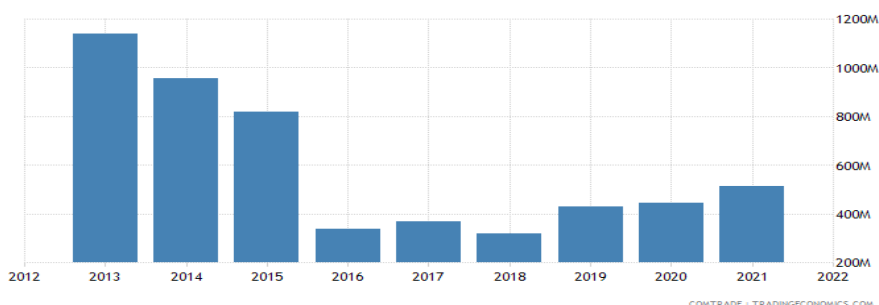
به‌طور کلی باید گفت، چین استراتژی خود را بر اساس راه ابریشم در قزاقستان استوار کرده است و علاقه‌مند است که از طریق اتصال خطوط ارتباطی‌اش با کشورهای منطقه منابع خام را به سمت صنایع خود هدایت کند. چین فعالیت خود را در این کشور بر اساس ایجاد ساختارهای حمل‌ونقل که هموار کننده مسیر انتقال کالای چینی به بازارهای آسیای مرکزی، روسیه و کشورهای اروپایی است، توسعه می‌دهد و همچنین توأمان به‌صورت فزاینده‌ای در حال گسترش مبادله تجاری خود با قزاقستان است.

در کنار این‌ها چین با تسهیل امر صدور روادید و موارد مشابه برای کشورهای منطقه و با افزایش حجم تجارت متقابل با ارزهای ملی و تبدیل به پول ملی چین به دنبال تضعیف دایره نفوذ دلار و یورو در منطقه است. در حقیقت هدف چین از نزدیکی به کشورهای دارای انرژی آسیای میانه مانند قزاقستان، تلاش برای کاهش وابستگی به انرژی خاورمیانه و تأمین امنیت عرضه انرژی برای خود است.

۱. دیپلماسی اقتصادی چین در ترکمنستان

در سال ۲۰۲۰، چین ۴۴۵ میلیون دلار کالا به ترکمنستان صادر کرده است. بر اساس پایگاه داده COMTRADE سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین‌المللی، صادرات چین به ترکمنستان در سال ۲۰۲۱ به ۵۱۳.۴ میلیون دلار آمریکا رسید (www.tradingeconomics.com, 2023).

شکل ۸- حجم صادرات چین به ترکمنستان طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۱ (میلیون دلار)



Source: <https://tradingeconomics.com/china/exports/turkmenistan>

در دسامبر ۲۰۲۲، چین ۸۰.۵ میلیون دلار صادرات و ۹۷۷ میلیون دلار از ترکمنستان وارد کرد که منجر به منفی شدن تراز تجاری ۸۹۶ میلیون دلاری شد. بین دسامبر ۲۰۲۱ و دسامبر ۲۰۲۲، صادرات چین ۲۵.۹ میلیون دلار (۴۷.۵ درصد) از ۵۴.۶ میلیون دلار به ۸۰.۵ میلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که واردات با ۲۸۱ میلیون دلار (۴۰.۳ درصد) از ۶۹۶ میلیون دلار به ۹۷۷ میلیون دلار افزایش یافته است (www.oec.world.com, 2023).

جدول ۸- ارزش مهم‌ترین اقلام صادر شده از چین به ترکمنستان در طی سال ۲۰۲۰

سال	میزان	اقلام صادر شده از روسیه به ترکمنستان
۲۰۲۱	۱۱۲/۸۴ میلیون دلار	اتومبیل و ماشین‌آلات، راکتورهای هسته‌ای، بویلرها
۲۰۲۱	۶۱/۵۰ میلیون دلار	تجهیزات الکترونیکی و الکترونیکی
۲۰۲۱	۵۲/۱۶ میلیون دلار	محصولات آهنی یا فولادی
۲۰۲۱	۴۷/۷۰ میلیون دلار	محصولات دارویی
۲۰۲۱	۴۱/۹۸ میلیون دلار	وسایل نقلیه غیر از راه‌آهن، تراموا
۲۰۲۱	۳۰/۷۸ میلیون دلار	آهن و فولاد
۲۰۲۱	۱۰/۱۱ میلیون دلار	مبلمان، لوازم روشنایی، ساختمان‌های پیش‌ساخته
۲۰۲۱	۸/۵۶ میلیون دلار	آلومینیوم

Source: <https://tradingeconomics.com/china/exports/turkmenistan>

همان‌طور که نمودارها نشان می‌دهند، حجم عمده صادرات ترکمنستان به چین را، صادرات گاز این کشور تشکیل می‌دهد و نه کالاهای دیگر. این موضوع بیانگر این است که چین به‌شدت به گاز ترکمنستان توجه دارد و عمدتاً دیپلماسی اقتصادی انرژی محور خود در این کشور را، متکی به گاز این کشور نموده است. البته به میزان بسیار زیادی هم در این امر موفق بوده است.

دیپلماسی انرژی چین در قبال ترکمنستان. گسترش فعالیت شرکت ملی نفت چین در میدان گازی ترکمنستان با مشارکت فعال در ۳۷ شرکت انرژی و ۶۶ پروژه سرمایه‌گذاری مشترک به ارزش کل ۵/۴ میلیارد دلار، چین را به بازیگر اصلی و بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکمنستان در بلندمدت تبدیل کرده است. هدف چین از چنین طرح‌ها و اقداماتی، حداکثرسازی دسترسی به منابع گاز این کشور بوده است. شرکت ملی نفت چین از زمان روی کار آمدن «بردی محمداف» رئیس‌جمهور ترکمنستان و پیگیری سیاست تنوع‌بخشی در صادرات، شرایط را برای کسب امتیازات انحصاری در میداین گازی شرق ترکمنستان با سرمایه‌گذاری و تولید مشترک فراهم کرد. (رضایی چشمه‌گچی، ۱۳۹۶:۱۲).

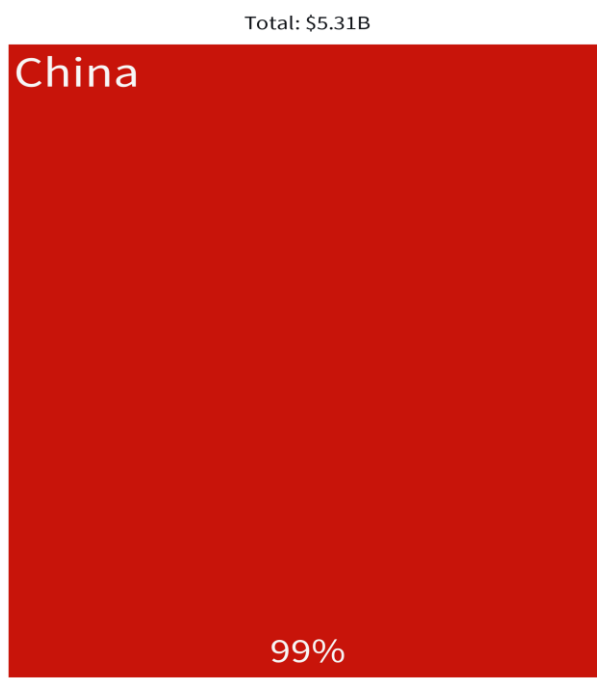
موقعیت انحصاری شرکت ملی نفت چین در ترکمنستان، با توجه به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در عملیات اکتشاف و تولید، به دلیل بحران در روابط گازی ترکمنستان و روسیه در ارتباط با انفجار در مسیر صادرات نفت، تقویت و تثبیت شد. همکاری و توافقات تجاری ترکمنستان با چین هم‌زمان با تشدید اختلاف بر سر قیمت و حجم صادرات گاز به روسیه افزایش یافت و عزم دو طرف برای راه‌اندازی خط لوله گاز آسیای مرکزی به چین در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ را سرعت بخشید. (Olcott, 2013: 27).

به‌کارگیری ماهرانه ظرفیت بالای اقتصادی برای مالکیت منابع ترکمنستان و هم‌زمان کمک‌های زیربنایی و حمایت دیپلماتیک از مشارکت فعال کشورهای ازبکستان و قزاقستان برای پشتیبانی از مسیر صادرات گاز، دستاورد موفقیت سیاست‌های چین در حوزه تجارت گاز است (Barysch & Petersen, 2011: 22).

ارتقای روابط دوجانبه به سطح مشارکت استراتژیک پس از ملاقات شی جین‌پینگ از ترکمنستان در سال ۲۰۱۳ و دستیابی به توافقی برای رساندن ظرفیت خط لوله گاز آسیای مرکزی از ۶۵ میلیارد مترمکعب به ۸۵ میلیارد مترمکعب از سال ۲۰۱۶ با مشارکت ازبکستان و قزاقستان، اولویت تأمین بیش از ۷۰ درصد از مصرف گاز وارداتی از طریق خط لوله در آینده را نوید داد (چراغی، ۱۳۹۷: ۱۲). افزایش واردات به سطح ۴۰

میلیارد مترمکعب از ترکمنستان و ۱۵ میلیارد مترمکعب از ازبکستان و قزاقستان نشان داد که چین قادر است در کوتاه مدت شریک تجاری مناسبی برای این کشورها باشد؛ زیرا از زمان راهاندازی مسیر صادرات آسیای مرکزی به چین تا سال ۲۰۱۶ این کشور ۱۲۱ میلیارد مترمکعب گاز وارد کرده است (چراغی، ۱۳۹۷:۱۲).

شکل ۹- مقصد صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۲۰



Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/petroleum-gas/reporter/tkm?yearExportSelector=exportYear1>

در سال ۲۰۱۲، ترکمنستان ۲۱/۳ میلیارد مترمکعب گاز از طریق خط لوله به چین صادر کرد که حدود نیمی از کل صادرات گاز این کشور و حدود نیمی از کل واردات چین است. در سپتامبر ۲۰۱۳، چین و ترکمنستان تصمیم گرفتند ظرفیت خط لوله آسیای مرکزی چین را به ۶۵ میلیارد مترمکعب در سال، تا سال ۲۰۲۰ افزایش دهند. علاوه بر این، در حال حاضر، CNPC تنها شرکت خارجی است که در توسعه میادین گازی خشکی ترکمنستان مشارکت دارد (O'Neill, 2014: 19).

جدول ۹- ارزش صادرات گاز ترکمنستان به چین طی سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۲۰

سال	میزان صادرات گاز ترکمنستان به چین
۲۰۲۰	۵/۲۵ میلیارد دلار
۲۰۱۹	۷/۶ میلیارد دلار
۲۰۱۸	۷/۱ میلیارد دلار
۲۰۱۷	۵/۷۷ میلیارد دلار
۲۰۱۶	۴/۹۴ میلیارد دلار
۲۰۱۵	۶/۸۵ میلیارد دلار
۲۰۱۴	۸/۴۳ میلیارد دلار
۲۰۱۳	۷/۸ میلیارد دلار

Source: <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/petroleum-gas/reporter/tkm>

مقامات انرژی ترکمنستان و چین با حضور قربانقلی بردی محمداف و شی جین‌پینگ رؤسای جمهور ترکمنستان و چین در تاریخ ۳ تا ۴ سپتامبر تعدادی قرارداد و قرارداد جدید در مورد توسعه میدان گازی غول‌پیکر گالکینیش^۱ ترکمنستان و افزایش عرضه امضا کردند که طی آن صادرات گاز ترکمنستان به چین تا سال ۲۰۲۰ به ۶۵ میلیارد مترمکعب در سال رسید. در مجموع سیزده سند دوجانبه از جمله قراردادهای بخش انرژی امضا شد تا همکاری ترکمنستان و چین را به سطح استراتژیک جدیدی برساند. (Régis Genté, 2013:13)

نتیجه‌گیری

با توجه به گزاره‌های مطرح شده در این فصل و بررسی مدل دیپلماسی اتخاذ شده از سوی چین در منطقه دریای خزر به‌ویژه در کشورهای (جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان)، می‌توان دریافت که چین در رابطه با جمهوری آذربایجان نه مبادلات تجاری چشمگیری داشته است و نه در مبادلات انرژی این کشور و موفقیت در تبدیل شدن به مهم‌ترین خریدار نفت این کشور توفیقی کسب کرده است. البته این موضوع بیشتر به این دلیل است که با وجود کشورهای حوزه خلیج فارس، فعلاً جمهوری آذربایجان برای چین از اولویت آن‌چنانی در موضوع خرید نفت برخوردار نیست. در رابطه با قزاقستان اما قضیه بر عکس جمهوری آذربایجان است. چین در قزاقستان علاوه بر میزان مبادلات تجاری مطلوب

¹. Galkynysh Gas Field

توانسته است در حوزه دیپلماسی انرژی (هم نفت و هم گاز) موفق عمل نماید. ترکمنستان نیز در این میان تنها صادرات گازش به چین از اهمیت ویژه‌ای برای این کشور برخوردار بوده است و همان طور که ذکر گردید، دیپلماسی اقتصادی انرژی محور چین در قبال ترکمنستان، متکی به گاز است.

جدول ۱۰- نقاط ضعف و قوت دیپلماسی اقتصادی چین و روسیه در کشورهای جمهوری آذربایجان ، قزاقستان و ترکمنستان.

نقاط قوت	نقاط ضعف	
میزان صادرات چین به جمهوری آذربایجان رو به افزایش است.	حجم مبادلات تجاری چین با این کشور چشمگیر نیست - عدم توانایی رقابت با اروپا برای خرید نفت جمهوری آذربایجان	جمهوری آذربایجان
میزان مبادلات تجاری بالا - روند روبه رشد مبادلات تجاری - دیپلماسی موفق در حوزه انرژی		قزاقستان
مهم‌ترین مقصد صادرات گاز ترکمنستان - روند رو به رشد مبادلات تجاری	تمرکز صرف بر روی واردات گاز ترکمنستان	ترکمنستان

منبع: نگارنده

به‌طور کلی و با تقسیم‌بندی‌های ذکر شده در فصل اول در رابطه با مدل‌های دیپلماسی اقتصادی، باید گفت که در وهله اول، چین از مدل دیپلماسی اقتصادی با انگیزه‌های بازرگانی و تجاری در این منطقه استفاده می‌نماید. گرچه رگه‌هایی از انگیزه‌های سیاسی در مدل دیپلماسی اقتصادی چین در منطقه خزر دیده می‌شود؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت که انگیزه‌های تجاری دیپلماسی اقتصادی چین به انگیزه‌های سیاسی آن غلبه دارد. سطح مدل دیپلماسی اقتصادی چین به‌طور کلی شامل سطح جهانی می‌شود؛ اما هدف آن ایجاد رهبری در تبدیل به هژمون شدن حداقل در حال حاضر نیست. منشأ این دیپلماسی اقتصادی که از سوی چین به کار گرفته می‌شود، به‌مانند روسیه، دولتی است. اما باید توجه داشت که زیرساخت‌های خصوصی‌سازی در چین از توسعه بهتری نسبت به روسیه برخوردار است.

جدول ۱۱- مدل دیپلماسی چین در کشورهای (جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان)

چین	
مدل دیپلماسی اقتصادی	بانگیزه‌های تجاری و بازرگانی
منشأ دیپلماسی اقتصادی	دولتی
سطح دیپلماسی اقتصادی	جهانی
مجموع	دیپلماسی دولتی - بازرگانی منطقه‌ای

منبع: نگارنده

منابع و مآخذ

فارسی

میراحمدی سعید، "چین و سیاست موازنه سازی منطقه‌ای در خاورمیانه: بررسی روندها و دلایل" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۸.
مختار صالحی، احمد رشیدی، مژگان رضایی چشمه گچی. ۱۳۹۶. بررسی تطبیقی استراتژی سیاسی و امنیتی چین و آمریکا در آسیای مرکزی بعد از یازده سپتامبر. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه مازندران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی
چراغی حمیدرضا، "رشد اقتصادی چین و تغییر رویکرد اقتصاد سیاسی دولت ایالات متحد در دوره ترامپ" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی، ۱۳۹۷.

لاتین

- Gao, Hucheng. 2015. **Let Chinese Dream Lighten a Beautiful World: Study and Implement General Secretary Xi Jinping's Economic Diplomacy Thought.** Available at: <http://english.mofcom.gov.cn/article/newsrelease/significantnews/201404/20140400552783.shtml> (accessed 22 November 2015).
- Kastner, S. L., & Saunders, P. C. (2012). Is China a status quo or revisionist state? Leadership travel as an empirical indicator of foreign policy priorities. **International studies quarterly**, 56(1), 163-177.
- Woolcock, S., & Bayne, N. (Eds.). (2013). **The new economic diplomacy: decision-making and negotiation in international economic relations.** Ashgate Publishing, Ltd.
- Bayne, N. and Woolcock, N. (2017). **The New Economic Diplomacy.** Routledge.

- Baine, N. & S. Woolcock (2003), **The New Economic Diplomacy: Decision Making and Negotiation in International Economic Relations**, Aldershot: Ashgate Publishing Ltd.
- Okano-Heijmans, M. (2011). Conceptualizing Economic Diplomacy: The Crossroads of International Relations, Economics, **IPE and Diplomatic Studies**, *The Hague Journal of Diplomacy*, 6(1-2), 7-36.
- Saner, R., & Yiu, L. (2003). **International economic diplomacy: Mutations in post-modern times**.
- Rana, K. (2017). Serving the private sector: India's economic diplomacy. In Bayne and Woolcock (eds). **The New Economic Diplomacy**. Routledge
- VanGrasstek, G. (2017). **Continuity and change in the politics of US trade relations with Russia**.
- Baracuhy, B. (2016). Brazilian economic diplomacy: Agriculture and the WTO negotiations. In **The New Economic Diplomacy** (pp. 172-190). Routledge.
- Heydon, K. (2017). Negotiating preferential trade agreements: Motivations and effects. In Bayne and Woolcock (eds). **The New Economic Diplomacy**. Routledge.
- Vitalis, V. (2017). Economic diplomacy and small developed economies: The case of New Zealand. In Bayne and Woolcock (eds). **The New Economic Diplomacy**. Routledge.
- Lee, D., & Hocking, B. (2010). Economic diplomacy. In **Oxford research encyclopedia of international studies**
- Jin, R., Hancock, C. M., Tang, L., & Wanatowski, D. (2017). BIM investment, returns, and risks in China's AEC industries. **Journal of Construction Engineering and Management**, 143(12).
- Xinhua (2016) **China, Georgia vows to reach comprehensive FTA within 2016**. Available at: http://news.xinhuanet.com/english/2016-02/22/c_135120792.htm (Accessed: 12 May 2016).
- Huirong, W., Shuhua, C., & Haisong, Z. (2012). Study on Evaluation of Urban Transit Service Quality Based on Passengers' Perceptions. **Journal of Chongqing Jiaotong University** (Natural Science), 31(5), 1027.
- Tekdal, V. (2018). China's Belt and Road Initiative: at the crossroads of challenges and ambitions. **The Pacific Review**, 31(3), 373-390.
- Ferdinand, P. (2016). Westward ho—the China dream and 'one belt, one road': Chinese foreign policy under Xi Jinping. **International Affairs**, 92(4), 941-957.
- Zhu, J., Hu, K., Lu, X., Huang, X., Liu, K., & Wu, X. (2015). A review of geothermal energy resources, development, and applications in China: Current status and prospects. **Energy**, 93, 466-483.
- Patey, L. (2017). Learning in Africa: China's overseas oil investments in Sudan and South Sudan. **Journal of Contemporary China**, 26(107), 756-768.
- Jakóbowski, J. & Kaczmarek, M. (2017) **'Beijing's Mistaken Offer: The "16 + 1" and China's Policy Towards the European Union'**, OSW (Centre for Eastern Studies) Commentary no. 250, 15 September, available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2017-09-15/beijings-mistaken-offer-161-andchinas-policy-towards-european>, accessed 9 October 2017.
- Jong-Wook, K., Jung-Won, K., & Young-Myon, L. (2015). Exploring regional clusters of work values: The case of China. *China: An International Journal*, 13(2), 169-184.
- Liao, X. (2006, November). Central Asia and China's Energy Security. In *China and Eurasia Forum Quarterly* (Vol. 4, No. 4, pp. 61-69).

- SWANSTRÖM*, N. I. K. L. A. S. (2005). China and Central Asia: a new Great Game or traditional vassal relations? **Journal of contemporary China**, 14(45), 569-584.
- Chase, M. S., Medeiros, E. S., STAPLETON, J., Rumer, E. B., Sutter, R., & Weitz, R. (2017). Russia-china relations. Assessing Common Ground and Strategic Fault Lines. **The National Bureau of Asian Research, Special report**, 66.
- International Monetary Fund**. (2019). World economic outlook database. Last accessed 25.02.15 <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2019/02/weodata/index.aspx>
- Bhutia, S. (2019). **Turkmenistan's mainline to China**.
- Samokhvalov, V. (2018). **The new Eurasia: post-soviet space between Russia, Europe and China**. In **The Eurasian Project in Global Perspective** (pp. 82-96). Routledge.
- Clarke, M., Small, A., & Keough, J. (2017). China's Belt and Road Initiative: Views from along the Silk Road. **Asia policy**, 24, 65-122.
- Haiquan, L. (2017). The security challenges of the "one belt, one road" initiative and China's choices. **Croatian International Relations Review**, 23(78), 129-147.
- Smith Stegen, Karen, and Julia Kuszniir. 2015. "Outcomes and Strategies in the 'New Great Game': China and the Caspian States Emerge as Winners." **Journal of Eurasian Studies** 6(2): 91-106. <http://dx.doi.org/10.1016/j.euras.2015.03.002>.
- Sawada, Y. (2014). Japan's Strategy for Economic Cooperation with Asian Countries. **Public Policy Review**, 10(1), 53-76.
- Gente, R. (2014, January 24). **Is Russia abandoning Turkmenistan? Chronicles of Turkmenistan**. last accessed 6.02.15 <http://www.chrono-tm.org/en/2014/01/is-russia-abandoning-turkmenistan/>.
- Standish, R. (2014, June 19). Hungry for gas, China muscles onto Russian turf. **Foreign Policy**. last accessed 31.01.15 <http://foreignpolicy.com/2014/06/19/hungry-for-gas-china-muscles-onto-russian-turf/>.
- Boonstra, J., & Laruelle, M. (2013). EU-US cooperation in Central Asia: Parallel lines meet in infinity? (EUCAM Policy Brief 31). Brussels: **Europe-Central Asia Monitoring**. last accessed 31.01.15 http://www.eucentralasia.eu/uploads/txt_ictcontent/EUCAM-PB-31-EN-EU-US.Pdf
- Olcott, M. B. (2013). **China's Unmatched Influence in Central Asia**.
- Baghirov, O. (2019). Azerbaijan and China Sign \$800 Million Economic Package: The Geo-Economic Implications. **The Jamestown Foundation**, 16.
- Zasztowt, K. (2013). **Georgia between the EU and Russia. Challenges for Georgian Internal Transition, Foreign and Security Policies**. Rocznik Instytutu Europy Środkowo-Wschodniej, 11(6), 243-251.
- Petersen, A., & Barysch, K. (2011). **Russia, China and the geopolitics of energy in Central Asia**. Centre for European Reform.
- O'Neill, D. (2014). Risky business: the political economy of Chinese investment in Kazakhstan. **Journal of Eurasian Studies**, 5(2), 145e156.
- Orttung, R. W., & Overland, I. (2011). A limited toolbox: explaining the constraints on Russia's foreign energy policy. *Journal of Eurasian Studies*, 2(1), 74e85.
- Blank, S. (2013). Russia pressures armenia to join customs union. **The Central Asia-Caucasus Analyst**, 27.
- Chase, M. S., Medeiros, E. S., STAPLETON, J., Rumer, E. B., Sutter, R., & Weitz, R. (2017). Russia-china relations. Assessing Common Ground and Strategic Fault Lines. **The National Bureau of Asian Research, Special report**, 66.